

گفتگوی با حجة الاسلام جواد محدثی به
مناسبت سالروز ولادت با سعادت امام
ای محمد حسن بن علی عسکری علیه السلام

سؤال: فرقه‌های کلامی و اندیشه‌ها و
مکاتب انحرافی زمان امام حسن عسکری علیه السلام
کدام‌ها بود و امام حسن عسکری علیه السلام با آنها
چه برخوردی داشتند؟

جواب: از آنجا که امام دیدبان مکتب و
مدافع دین خداست، نسبت به جریان‌های
فکری و انحرافات اعتقادی زمان خود
نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد. دوران امام
عسکری علیه السلام نیز مثل ائمه دیگر، خالی از این
گونه گرایش‌ها و افکار و داعیه داران و شبهه
آفرینان نبود. ایجاد شبهه از سوی مخالفان
اسلام با انگیزه گمراه ساختن مسلمین رواج
داشت. امام نیز با بیان حق، روشنگری
می‌کرد و حتی نسبت به کسانی که با جعل
حدیث، روایات دروغ را به آن حضرت و پدر
بزرگوارش نسبت می‌دادند، افشاگری می‌کرد.
برخی از این گرایش‌های انحرافی
پیرامون قرآن بود. مثلاً اسحاق کندی که در
عراق بود، درباره قرآن شبهه می‌پراکند. کتابی
را به گمان خود درباره تناقضات قرآن نوشت.
امام عسکری در برخورد بعضی از شاگردان
او، فرمود: آیا در میان شما مرد رشیدی نیست



نگاهی به مسائل فکری و سیاسی عصر امام حسن عسکری علیه السلام



که استادان کندی را از کاری که به آن مشغول است، باز دارد؟ یکی گفت: او استاد ماست، چگونه می‌توانیم در این زمینه یا هر موضوع دیگر به او انتقاد کنیم؟ امام پرسید: آیا اگر من نکته‌ای به تو بگویم، به اسحاق کندی منتقل می‌کنی؟ گفت: آری.

آن گاه امام، دلایلی در ردّ شبهه افکنی‌های اسحاق به شاگرد او آموخت و حتی شیوه بحث و برخورد با او را هم بیان کرد (که نقل آن طول می‌کشد). وقتی اسحاق آن حرف‌ها را شنید، به شدت تکان خورد و مجاب گشت و چون حق برای او روشن شد، آن نگاشته‌ها را از بین برد و سوزاند.

از انحرافات دیگر آن عصر، رواج جعل حدیث و نشر روایات دروغی در میان مردم بود. عروۀ بن یحیی بغدادی، یکی از جعل‌کنندگان روایت بود و احادیث دروغی به امام هادی و امام عسکری علیه السلام می‌بست و نسبت به اموالی که برای امام از سوی شیعیان می‌رسید، اختلاس داشت. امام او را لعن کرده و از شیعیان خواست تا او را لعن و طرد کنند و فریب دروغ پراکنی آنها را نخورند.

به هر حال، عصر امام عسکری علیه السلام از نظر عقاید و روش‌های فکری، عصر سالم و صحیحی نبود و همه گونه دعوت‌ها و گرایش‌ها

رواج داشت، امام نیز بنا به وظیفه خویش، به شبهه‌زدایی و تبیین عقاید حق و راستین می‌پرداخت.

سؤال: بعضی درباره تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام تشکیک می‌کنند، یا وجود آن را انکار می‌کنند؛ نظر مفسران و مورخان درباره این تفسیر چیست، آیا اصلاً در حال حاضر موجود است؟

جواب: شک نیست که امام عسکری علیه السلام نیز همچون امامان دیگر، احادیثی را در تفسیر برخی آیات داشته، که در کتب روایی و تفسیری نقل شده است. اما آنچه که به صورت یک کتاب مستقل به نام تفسیر امام عسکری علیه السلام مطرح است، و به آن حضرت نسبت می‌دهند، هر چند برخی از علمای بزرگ همچون: شیخ صدوق، طبرسی، شهید ثانی، ابن شهر آشوب، شیخ آقا بزرگ و ... این انتساب را درست می‌دانند، ولی برخی هم در این نسبت تردید دارند.

برخی سندی که برای آن می‌آورند، نشان می‌دهد که این تفسیر، توسط امام در مدت چندین جلسه برای تعدادی از شیعیان در مدت اقامتشان در محل سکونت امام، گفته می‌شده و آنها یادداشت می‌کردند، در سلسله سند این نقل راویانی قرار دارند که رجالیون همه آنها را توثیق نکرده‌اند. بعضی حتی این نسبت را دروغ

می‌شمارند، مثل مرحوم آیت الله خویی. برخی استدلال می‌کنند که با آن شرایط دشواری که امام عسکری علیه السلام تحت نظر بود؛ چگونه ممکن است جمعی از شیعیان مدت هفت سال، در دیدارهای مکرری که با امام داشتند، آزادانه در جلسه تفسیر او بنشینند و یادداشت کنند.

به هر حال، آنچه امروز در کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌ها موجود است و نام التفسیر المنسوب الی الامام ابی محمد العسکری بر آن دیده می‌شود و شامل تفسیر استعاده، بسم الله، سوره حمد، و بخش عمده آیات سوره بقره است، تفسیر کامل قرآن نیست، همچنان که از اسم آن نیز بر می‌آید «منسوب» به آن حضرت است و بسیاری از علما در حتمیت این نسبت تشکیک کرده‌اند.

سؤال: با وجود سخت‌گیری‌های خلافت نسبت به ارتباط با آن حضرت، در منابع حدیثی از امام عسکری احادیث زیادی نقل شده و راویان از آن حضرت کم نیستند، در حالی که عمر آن امام نیز کوتاه بود، درباره اصحاب و راویان از آن حضرت توضیحی بدهید.

جواب: خلفای عباسی، برای جلوگیری از نشر فضایل و علوم آن حضرت، تضییقاتی را برای او و مردم در ارتباط و دیدار فراهم کرده بودند. در عین حال، عالمان و راویان در هر

فرصتی که پیش می‌آمد، با آن بزرگوار دیدار می‌کردند. در یکی از منابع تعداد ۱۰۷ راوی نام برده شده که از اصحاب و راویان امام عسکری علیه السلام هستند. کسانی همچون: ابراهیم بن مهزیار، احمد بن ادریس قمی، احمد بن اسحاق اشعری، حسن بن موسی خشاب، داود بن قاسم جعفری، سعد بن عبدالله قمی، حضرت عبدالعظیم حسنی، عثمان بن سعید عمروی (که یکی از وکلای چهارگانه امام زمان (عج) بود)، ابوالبختری و چهره‌های دیگر، که همه افتخار نقل احادیث از امام عسکری داشته‌اند و از حافظان میراث علمی و فقهی و کلامی حضرت بودند.

سؤال: وجود این همه راوی که سخنان آن حضرت را روایت کرده‌اند، نشانه موقعیت علمی والای آن امام است. نسبت به بعد علمی و فضایل امام عسکری علیه السلام توضیح مختصری بدهید.

جواب: آنچه درباره تک تک امامان می‌توان گفت و دیگران گفته‌اند، این است که آنان داناترین و با فضیلت‌ترین چهره‌های عصر خود بودند، امام عسکری نیز این گونه بود. هر چند حصارهای خلفا و محدودیت‌های گوناگون نمی‌گذاشت بعد علمی امام، برای توده مردم آشکار شود، ولی آنان که او را می‌شناختند، با

این ویژگی می‌شناختند. حتی یک پزشک مسیحی به نام بختیشوع وقتی درباره امام عسکری علیه السلام با شاگرد خود صحبت می‌کند، می‌گوید: «او امروز، داناترین فرد در زیر این آسمان است».

احادیث وارده از آن حضرت، گویای مکانیت علمی اوست. نامه‌ها و رساله‌های گوناگون که در زمینه‌های مختلف، خطاب به اسحاق نیشابوری، پدر شیخ صدوق، عبدالله بیهقی، مردم قم و برای برخی شیعیان، موالیان و ... نوشته است، یک دنیا حکمت و علم را در بر دارد. کلمات اشخاص بزرگی که به ستایش مقام علمی و فضل آن حضرت پرداخته‌اند، شاهد دیگری بر این مدعا است. مثلاً: احمد بن عبدالله بن خاقان که از دولتمردان سیاسی حکومت عباسی بود، او را بارزترین چهره بنی‌هاشم در علم و فضل و موقعیت خانوادگی و رفتار و سلوک و نفوذ دانسته است. عبید بن خاقان نیز که از شخصیت‌های سیاسی آن روزگار بود، گفته است: اگر خلافت از بنی عباس زایل شود، شایسته‌ترین فرد از نظر علم و فضل و عفاف و صلاح و عبادت و ... حسن بن علی است. شیخ مفید از علمای بزرگ شیعه می‌گوید: امام عسکری پس از پدر بزرگوارش به خاطر جامعیت همه فضایل و برتری نسبت به همه مردم آن

روزگار و برخورداری از همه شرایط امامت، پیشوای مردم بود و آنچه را که امامت لازم داشت؛ یعنی علم، زهد، خرد، عصمت، شجاعت، کرم و کارهای شایسته عبادی، در مرتبه والا داشت.

در مجموع، امام عسکری در عصر خود، مرجع علمی، و پستوانه فکری شیعه و فقیهان بود و راویان احادیث، با عنایت ویژه‌ای سخنان و علوم آن حضرت را نقل و ثبت می‌کردند. بخصوص در زمینه فقه، پاسخ‌های آن حضرت به نامه‌هایی که حاوی سؤالات فقهی بود، زیاد است.

سؤال: گویا امام حسن عسکری علیه السلام مدت زیادی از عمر خویش را در حبس گذرانیده است، اگر ممکن است علت این بازداشت‌ها را بیان کنید.

جواب: با آنکه دوران آن حضرت و سن شریف وی چندان زیاد نبود، ولی به علت آشفتگی اوضاع سیاسی (تغییر مکرر در حاکمیت خلفای بنی عباس)، آن حضرت شاهد خلافت تعداد زیادی از حکام عباسی بود. یکی از آنها متوکل است که نسبت به امام هادی علیه السلام هم سخت‌گیر بود و آن حضرت را به سامرا جلب کرد. امام عسکری هم در خدمت پدر به این شهر برده شد و تحت نظر و مراقبت دستگاه

خلافت بود و سخت‌گیری‌های خلیفه نسبت به امام هادی، شامل فرزند و خانواده‌اش هم می‌شد. پس از هلاکت متوکل، نوبت به منتصر رسید. او در مدت کوتاه خلافتش بنای خوش‌رفتاری به شیعه و امام عسکری گذاشت، ولی خیلی زود دوران او سپری شد و قدرت به مستعین رسید، سپس معتز خلیفه شد و بعد از او مهدی و بعد از او معتمد به خلافت رسیدند. اینها همه نسبت به آل علی و شخص امام عسکری علیه السلام کینه و عداوت داشتند.

دلیل این کینه نیز آوازه علمی و فضایل امام و جایگاه آن حضرت در دل‌ها و شخصیت والای امام بود که آنها چشم دیدن حضرتش را نداشتند و پیوسته از موقعیت امام در هراس بودند و وجودش را کانون خطری برای خلافت خویش می‌دیدند.

مستعین و معتز و مهدی هر کدام به نوبه خود دستور بازداشت امام را دادند. معمولاً هم زندانبان و مراقب را از سرسخت‌ترین دشمنان اهل بیت علیهم السلام انتخاب می‌کردند. معمولاً هم بازداشت امام علیه السلام در میان هواداران، موجی از اندوه و نگرانی پدید می‌آورد و نسبت به جان حضرت بیمناک می‌شدند، کاری هم از آنان ساخته نبود.

سؤال: نوع برخورد دستگاه خلافت با آن حضرت و فشارهای وارد بر امام و یارانش، نشانه احساس خطر آنان از وجود امام بود، تا آنجا که سرانجام در عهد خلافت معتمد عباسی، حضرت را به شهادت رساندند. لطفاً شرایط کلی سیاسی عصر امام عسکری علیه السلام را که به این هراس منجر می‌شد و سبب این گونه سختگیری‌ها می‌گشت، توضیح دهید؟

جواب: از شاخصه‌های کلی و رایج عصر خلفای عباسی، جور و ظلم نسبت به مردم، تضییع و فشار نسبت به اهل بیت و امامان، آشفتگی در وضع سیاسی و حکومت، حیف و میل بیت المال و عیاشی و فساد دربارها بود. این کلیت آن شرایط بود که شرح و بسط آن در این مختصر نمی‌گنجد.

ناآرامی‌هایی که در اطراف و اکناف کشورهای اسلامی بود، نشانه دیگری از این عدم ثبات سیاسی بود. ترک‌ها بر قدرت خلافت و حکومت سلطه و نفوذ داشتند. خلفا اغلب افراد کم سواد و غرق در لذات و شهوات بودند و علویون در چنین شرایطی، از آنجا که کانون خطر و نقطه بحران خیز بر ضد سلطه جور محسوب می‌شدند، پیوسته مورد فشار و تنگناهای سیاسی و اقتصادی قرار گرفتند. اینکه امام عسکری علیه السلام را در سامرا - که یک منطقه

نظامی بود. تحت نظر قرار داده بودند، گویای همین بیم و وحشت بود.

فشار بر شیعیان و مناطق شیعه نشین هم کم نبود. در این میان، قمی‌ها بیشتر تحت فشار بودند، به لحاظ آنکه قم، پایگاه و مرکزیتی برای نشر و ترویج فرهنگ اهل بیت و فقه ائمه و روایات و فضایل معصومین علیهم‌السلام بود. در سلسله روایانی که از امام هادی و امام عسکری علیه‌السلام حدیث نقل کرده‌اند، چهره‌های قمی فراوان دیده می‌شود. از این رو سخت‌گیری و ستم به اهل قم هم بیشتر بود. مثلاً به نقل تاریخ، موسی بن یحیی را که حاکمی شرور، ستمگر و بد رفتار بود، به امارت و ولایت قم گماشتند. آن قدر بد رفتار بود که چهره‌های سرشناسی از قمی‌ها خدمت امام حسن عسکری علیه‌السلام رسیدند و زبان به شکایت گشودند. حضرت هم در حق آنان دعا فرمود که خداوند آنان را از شر آن طاغی نجات دهد و به آنان دعایی آموخت که در قنوت‌های نمازشان بخوانند تا از شر آن طاغوت رها شوند. (الحمد لله شکراً لنعمائه...) دعا مضامینی دارد که ترسیم کننده شرایط خفت و خواری و حکومت افرادی که در دین غیر مطمئن هستند و احکام الهی را تعطیل کرده و به ستم بر بندگان پرداخته‌اند در این دعا از اوضاع اجتماعی و حکومتی (فساد و غارت و ...) سخن به میان

آمده است. متن دعا نسبتاً مفصل است و در کتاب مهج الدعوات آمده است.

به موازات ستم گستری خود خلفا، وزرا و امرا هم در حد توان از جور و عدوان کم نمی‌گذاشتند و به اختلاس اموال و شکنجه مخالفان و به فقر و تهیدستی نشانیدن هواداران اهل بیت علیهم‌السلام می‌پرداختند.

در این شرایط بود که قیام یحیی بن عمر طالبی در کوفه، قیام زنگیان بر ضد حکومت عباسیان، شورش مردم در شام و در جاهای دیگر، حرکت‌های ضد خلافت بود و مردم رنج‌دیده و مظلوم نیز به امید رهایی گرد این پرچم‌های برافراشته جمع می‌شدند و حمایت می‌کردند.

سوال: با آنکه امام حسن عسکری علیه‌السلام بیشتر دوران امامت خویش را یا در زندان یا تحت نظر و مراقبت بود، چگونه کشتی امامت امت اسلامی را هدایت می‌کرد؟

جواب: شیعه در آن روزگار پراکنده بود، امام هادی و امام عسکری علیه‌السلام، برای ارتباط با توده‌های هوادار، از نماینده استفاده می‌کردند. در مناطق مختلف ایران، کوفه، بغداد، مدائن، مصر، یمن، حجاز، سامرا که شیعیان وجود داشتند، امام از شیوه «نظام وکلایی» بهره می‌گرفت و شیعیان را هم برای دریافت پاسخ‌های مسائل فکری و شرعی و مسائل مالی به آن وکلا ارجاع

می‌داد. مثلاً در قم، صدها راوی و حدیث‌شناس معتبر و موثق وجود داشتند که از طریق مکاتبه با امام ارتباط داشتند. با دشواری‌های ارتباط حضوری در آن روزگار، عملاً تنها راه ممکن و عملی، مکاتبه بود. معتمدین امام، رابط بین شیعیان و امام معصوم بودند. مثلاً عثمان بن سعید که مورد وثوق امام هادی و امام عسکری علیه السلام بود، شغل روغن فروشی داشت و از این شغل، به عنوان پوشش و محلی برای ارتباطات خویش استفاده می‌کرد و اموالی توسط او به محضر امام عسکری علیه السلام فرستاده می‌شد.

نمایندگان امام برخی‌شان در زمینه انتقال نظرات و مواضع سیاسی امامان به هواداران در مسائل مبارزاتی کار می‌کردند. روشن است که در این شیوه نظام و کلایلی، باید از چهره‌های کاملاً مورد اعتماد و رازدار و محرم اسرار استفاده کرد. از این رو، در جامعه اسلامی حتی با سوادتر و حدیث‌شناس‌تر از آن «وکلا» هم بودند، اما نمایندگان معین برای ارتباط، بیشتر مورد وثوق بودند.

این شیوه؛ یعنی ارتباط با واسطه و توسط وکیل، نوعی زمینه‌سازی برای عصر غیبت یا دوران امامت حضرت مهدی (عج) بود که آن حضرت از دیده‌ها پنهان شدند و شیعیان توسط چهار وکیل و نایب خاص، امکان ارتباط با پیشوای خود داشتند.

امام عسکری علیه السلام حتی با شیوه‌هایی زمینه دوران غیبت را فراهم می‌کرد، با مردم کمتر

تماس داشت، گاهی در دیدارهای حضوری با برخی، از پشت پرده با آنان سخن می‌گفت، در برخی دیدارها با افراد مورد اعتماد از شیعه، امام و حجت بعدی را که فرزندی خردسال بود، به آنان نشان می‌داد، تا پس از شهادتش در حیرت و بلا تکلیفی باقی نمانند و همه اینها با رعایت کامل اختفا و کتمان نسبت به وجود مبارک حضرت مهدی (عج) بود، تا دستگاه خلافت متوجه آن حضرت نشود و قصد جانش را نکند.

امام عسکری از یک سو، کار «نظری و تبلیغی» می‌کرد تا عقیده به امامت امام معصوم خدشه‌دار نشود و مردم در شناخت حجت الهی گرفتار حیرت و سردرگمی نشوند. بیان ویژگی‌ها و مشخصات امام مهدی (عج) و طرح مسئله غیبت و ظهور و انتظار فرج و دولت حق مهدویه و ... از جمله این گونه فعالیت‌ها بود. از سوی دیگر در میدان عمل، مردم را برای ورود به آن دوره خطر، آماده و مهیا می‌ساخت.

البته رهبری امت با شیوه مخفی و پنهانی، خطر است، آفاتی هم دارد و بسیار دشوارتر از امامت آشکار است، ولی امام عسکری علیه السلام چاره‌ای جز هدایت به صورت یاد شده نداشت.^۱

پی‌نوشت

۱. برای آشنایی بیشتر به ویژه‌نامه امام حسن عسکری علیه السلام شماره ۶۰ فرهنگ کوثر مراجعه شود.